

رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداری

Relationship Between Alienation
and Self- Concept

Abdollah Shafiabady, Ph. D.
Allameh Tabatabaie
University
Abolfazl Vali- Nouri
Graduate Student in
Clinical Psychology
Islamic Azad University
Roudehen Branch

دکتر عبدالله شفیع آبادی
دانشگاه علامه طباطبائی
ابوالفضل ولی نوری
دانشجوی کارشناسی ارشد
روانشناسی بالینی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد رودهن

Abstract: The purpose of this study is to investigate the relationship between alienation and self- concept. 103 female students (48 freshmen and 55 sophomores) majoring in English, were selected to answer both the Dean's Alienation Scale (s) and Roger's Self- Concept Test.

A significant positive relationship was found among alienation, powerlessness, isolation, and negative self- concept. On the other hand, there was no relationship between normlessness and self- concept. Further more, no significant relationship was found among alienation, self- concept, and age. Comparison of freshmen and sophomores in regard to alienation, normlessness, powerlessness, isolation, and self- concept dose not indicate any significant differences.

چکیده: در این پژوهش، رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداری بررسی شده است. بدین منظور ۱۰۳ نفر از دانشجویان زن (۴۸ نفر سال اول و ۵۵ نفر سال دوم) در رشته زبان انگلیسی به مقیاس (های) بیگانگی (دین، ۱۹۶۱) و آزمون خودپنداری راجرز پاسخ دادند. مانند نتایج اغلب پژوهشهای قبلی یافته‌های پژوهش حاضر، مبین آن است که بین احساس بیگانگی و خودپنداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. به سخن دیگر، افزایش احساس بیگانگی با خودپنداری ضعیف همراه است. نظیر این رابطه میان اشکال گوناگون احساس بیگانگی همچون، احساس ناتوانی و احساس انزوا با خودپنداری وجود دارد. از سوی دیگر، بین بی‌هنجاری و خودپنداری رابطه‌ای یافت نشد. همچنین، رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداری در دانشجویان سالهای اول و دوم به طور جداگانه بررسی شد. نتایج نشان می‌دهند که در دانشجویان سال دوم، بین احساس بیگانگی و خودپنداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. در

پژوهش حاضر بین خودپنداری و احساس بیگانگی با سن آزمودنیها رابطه معنی داری وجود نداشت. از سوی دیگر، مقایسه مورد احساس سالهای اول و دوم نشان داد که در ناتوانی، احساس انزوا، و خودپنداری تفاوت معنی داری بین آنان وجود ندارد.

منتشر شده توسط سایت مجله دکتر عبدالله طبیب آبادی
www.dr-abdollahi@shafabadi.ir

در سالهای اخیر، مفهوم بیگانگی^۱ توجه فزاینده متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (سکستون^۲، ۱۹۸۳). علاوه بر این، عده‌ای از روان‌شناسان سعی کرده‌اند، به ویژگیهای شخصیتی افرادی که احساس بیگانگی می‌کنند، پی ببرند (کنیستون^۳، ۱۹۶۵؛ مک‌کلاسکی^۴ و شار^۵، ۱۹۶۵؛ تولور^۶ و لی‌بلانک^۷، ۱۹۷۱؛ جانسون^۸، ۱۹۷۰؛ سیمونز^۹، ۱۹۶۶؛ ویتاکر^{۱۰} و واتز^{۱۱}، ۱۹۶۹؛ فارمر^{۱۲} و هاروی^{۱۳}، ۱۹۷۴؛ واترز^{۱۴}، ۱۹۷۴؛ سکزنتمیهای^{۱۵}، ۱۹۷۵؛ سکستون، ۱۹۸۳؛ مدی^{۱۶}، هورر^{۱۷}، و کوباسا^{۱۸}، ۱۹۸۲).

در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و روان‌پزشکی دیدگاههای متفاوتی در مورد مفهوم بیگانگی وجود دارد. به نظر سوات دیپونگ^{۱۹} (۱۹۸۰) بیگانگی عموماً به معنی جهت‌گیری منفی احساسات ناهماهنگ فرد و باورهای نقادانه نسبت به بافت اجتماعی خاص است. کنیستون (۱۹۶۵) به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰؛ ص. ۳۲) بیگانگی را نوعی پاسخ یا عکس‌العمل از سوی فرد به فشارها، تنش‌ها، ناملايمات و نیز اختلاف دیدگاههای فردی و اجتماعی تعریف می‌کند. ساترلند^{۲۰} (۱۹۸۹) معتقد است که بیگانگی به طور کلی به معنی احساس بی‌معنی بودن زندگی، احساس جدایی از دوستان، و بیزار بودن از ارزشهای جامعه است. در روان‌پزشکی مفهوم بیگانگی برای توصیف احساس جدایی شخص از خود یا جامعه و نیز برای بیان اجتناب شخص از تجارب عاطفی و همچنین برای توصیف تلاشهای شخص برای دور شدن از احساساتش به کار می‌رود (کاپلان^{۲۱} و سادوک^{۲۲}، ۱۹۹۱؛ بهرامی و معنوی، ۱۳۷۰). نظریه پردازان مختلف، اشکال متفاوتی از احساس بیگانگی را مورد بررسی قرار داده‌اند (دین^{۲۳}، ۱۹۶۱؛ سیمن^{۲۴}، ۱۹۵۹؛ مدی، کوباسا، و هورر، ۱۹۷۹). دین (۱۹۶۱) برای ارزیابی

- | | |
|----------------------|----------------|
| 1- alienation | 2- Sexton |
| 3- Keniston | 4- McClosky |
| 5- Schaar | 6- Tolor |
| 7- LeBlanc | 8- Johnson |
| 9- Simmons | 10- Whittaker |
| 11- Watts | 12- Farmer |
| 13- Harvey | 14- Waters |
| 15- Csikszentmihalyi | 16- Maddi |
| 17- Hoover | 18- Kobasa |
| 19- Swatdipong | 20- Sutherland |
| 21- Kaplan | 22- Sadock |
| 23- Dean | 24- Seeman |

و (۳) احساس انزوا^۱. سیمن (۱۹۵۹؛ به نقل از مورا^۲، ۱۹۹۰؛ ص. ۱۱۳) معتقد است که احساس ناتوانی یعنی این انتظار یا احتمال در فرد که رفتارش تأثیری در تعیین پیامدهای مورد انتظارش ندارد. به عقیده سیمن (۱۹۵۹؛ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰؛ ص. ۶۸) بی‌هنجاری ذهنی - فکری^۵ است که در آن [وضعیت] فرد تصور می‌کند، تنها رفتارهایی او را به هدف نزدیک می‌سازند که مورد تأیید جامعه نیستند. همچنین، احساس انزوا واقعی فکری است که در آن فرد احساس می‌کند، به ارزشهای مرسوم در جامعه تعلق و وابستگی ندارد. از سوی دیگر، در نظریه راجرز^۶ (۱۹۵۱؛ به نقل از اسماعیل^۷، ۱۹۹۲؛ ص. ۳۰) خودپنداری^۸ به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم رفتار محسوب می‌شود. خودپنداری یکی از مفاهیم اصلی نظریه راجرز است و شامل مجموعه ویژگی‌هایی است که شخص به عنوان یک موجود منحصر به فرد از خود ادراک می‌کند. خودپنداری از طریق روابط اجتماعی کسب می‌شود. راجرز معتقد است که به سبب تعامل‌های شخص با اطرافیانش در محیط (مانند والدین، برادر، خواهر، دوستان، و معلمان) مفهومی از خویشتن که به طور گسترده مبتنی بر ارزیابی‌های سایرین است، گسترش می‌یابد. به طور خلاصه می‌توان گفت، شخص خود را براساس آنچه سایرین تصور می‌کنند، ارزیابی می‌نماید نه برحسب آنچه که خودش احساس می‌کند. به عقیده راجرز، شخص به دلیل نیاز به توجه مثبت به ارزیابی‌های دیگران توجه می‌کند. این نیاز نیرومند در شخص موجب می‌شود تا وی در قضاوتهایش در مورد ارزشهای خود به ارزیابی‌های سایرین بیش از ارزیابی‌های خویش توجه کند.

تاکنون، تعاریف متنوعی از خودپنداری با تأکید بر عناصر مختلف تشکیل‌دهنده آن ارائه شده است. ممکن است بتوانیم به طور کلی خودپنداری را به عنوان تصویری که از خودمان داریم تعریف کنیم. بیرن^۹ (۱۹۸۴؛ به نقل از هوجی^{۱۰} و رینزولی^{۱۱}، ۱۹۹۳) با ارائه تعریفی دقیق‌تر معتقد است که خودپنداری شامل نگرشها، احساسات، و آگاهی ما از تواناییها، مهارتها، ظاهر، و پذیرش اجتماعی خودمان است. به سخن دیگر، خودپنداری به مجموعه احساسات، و برداشتهای فرد از خویشتن اطلاق می‌شود. این خویشتن ادراک شده به نوبه خود بر ادراک فرد از جهان و هم بر رفتار او تأثیر می‌گذارد (اتکینسون^{۱۲}، اتکینسون، و هیلگارد^{۱۳}، ۱۹۸۳).

پیش از این گفته شد که در مورد ویژگیهای شخصیتی افرادی که احساس بیگانگی می‌کنند، پژوهشهای متنوعی انجام شده است. در پژوهشی که توسط کنیستون (۱۹۶۵) انجام شد، مشخصه روابط بین فردی دانشجویانی که احساس بیگانگی می‌کردند، دوسوگرایی عاطفی بود.

1- powerlessness

3- isolation

5- subjective- mental

7- Ismail

9- Byrne

11- Renzulli

13- Hilgard

2- normlessness

4- Morah

6- Rogers

8- self- concept

10- Hoge

12- Atkinson

این دانشجویان دچار سردرگمی و افسردگی بودند و خودشان را افرادی خشمگین، تکانشی، و اندرونگین توصیف می کردند. همچنین، در سایر پژوهشها مشخص شده که رایج ترین ویژگیهای در اشخاصی که احساس بیگانگی می کنند شامل اضطراب (مک کلاسکی و شار، ۱۹۶۵؛ تولور ولی بلانک، ۱۹۷۱)، احساس انزوای اجتماعی^۱ (سیمونز، ۱۹۶۵؛ ویتاکر و واتز، ۱۹۶۹)، ابراز خصومت و احساسات پر خاشگروانه (فارمر و هاروی، ۱۹۷۴؛ مک کلاسکی و شار، ۱۹۶۵؛ تولور ولی بلانک، ۱۹۷۱؛ ویتاکر و واتز، ۱۹۶۹) هستند. همچنین، مشخص شده است، اشخاصی که در روابط بین فردی خویش احساس بی معنایی^۲ می کنند و نسبت به اعضای خانواده خود بیگانه اند، وقت بیشتری را صرف تماشای تلویزیون و فعالیتهای انفرادی^۳ می نمایند (سکزنتمیهالی، ۱۹۷۵؛ به نقل از مدی، ۱۹۸۹). از سوی دیگر، پژوهشهای گوناگون نشان می دهند، بین مفاهیم بیگانگی و جزمی اندیشی^۴ رابطه مثبتی وجود دارد (جکوبسون، ۱۹۷۳؛ بیتی، ۶؛ پیستونجی^۷ و سینگ^۸، ۱۹۷۸؛ سکستون، ۱۹۸۳). این پژوهشگران استنباط می کنند که بیگانگی و جزمی اندیشی با یکدیگر شباهت مفهومی دارند. در این پژوهشها مشخص شده است، افزایش احساس بیگانگی، رابطه معنی داری با افزایش جزمی اندیشی دارد. همچنین، مشخص شده است، احساس بیگانگی و جزمی اندیشی با مجموعه ای از ویژگیهای شخصیتی مشترک همراهند. بررسی هایی که به طور جداگانه هریک از این مفاهیم را مورد مطالعه قرار داده اند، ویژگیهای شخصیتی مشترکی را برای افراد جزمی^۹ و افرادی که احساس بیگانگی می کنند بر شمرده اند. بخشی از این ویژگیها عبارتند از: احساس تنهایی^{۱۰}، بدبینی^{۱۱}، عدم اعتماد، انعطاف ناپذیری، اضطراب، سازگاری ضعیف با محیط اجتماعی، روان رنجوری، پر خاشگری، انزوا، فقدان عزت نفس، عدم اعتماد به ارزشها و تواناییهای خود در تصمیم گیری برای آینده، و خود پنداری ضعیف (واترز، ۱۹۷۴؛ فارمر و هاروی، ۱۹۷۴؛ هیمن^{۱۲}، ۱۹۷۷؛ مک کلاسکی و شار، ۱۹۶۵؛ نورمن^{۱۳}، ۱۹۶۰؛ روکیچ^{۱۴}، ۱۹۵۲؛ کرچ^{۱۵} و دیلهی^{۱۶}، ۱۹۶۷؛ واپچانو^{۱۷} و همکاران ۱۹۶۸؛ سکستون، ۱۹۸۳).

نتایج پژوهشهای انجام شده در مورد افرادی که احساس بیگانگی می کنند نشان می دهد که میزان عزت نفس این افراد در سطح پایینی قرار دارد (جانسون، ۱۹۷۰؛ مک کلاسکی و شار، ۱۹۶۵؛ سیمونز، ۱۹۶۶؛ ویتاکر و واتز، ۱۹۶۹؛ واترز، ۱۹۷۴). در پژوهش آسامن^{۱۸} و بری^{۱۹} (۱۹۸۷) رابطه بین احساس بیگانگی و خود پنداری در میان دانشجویان آسیایی و آمریکایی

- | | |
|------------------------|--------------------|
| 1- social isolation | 2- meaninglessness |
| 3- solitary activities | 4- dogmatism |
| 5- Jacobson | 6- Beatty |
| 7- Pestongee | 8- Singh |
| 9- dogmatic | 10- loneliness |
| 11- pessimism | 12- Heyman |
| 13- Norman | 14- Rokeach |
| 15- Kirscht | 16- Dillehay |
| 17- Vacchiano | 18- Asamen |
| 19- Berry | |

($n=107$) بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که کمتر این احساس را دارند، از خودپنداری ضعیف‌تری می‌کنند نسبت به دانشجویانی که کمترین میزان خودپنداری با احساس ناتوانی و احساس انزوای اجتماعی دارند. همچنین در پژوهش مذکور میان خودپنداری با احساس ناتوانی و احساس انزوای اجتماعی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشت. در پژوهش دیگر (دوچارم^۱، ۱۹۷۵) با آزمودنی‌هایی که به طور تصادفی از نواحی مختلف ورمونت^۲ و نیویورک^۳ انتخاب شده بودند، مشخص شد که رابطه‌ای معکوس بین احساس بیگانگی و خودپنداری وجود دارد.

در مورد رابطه بین سن و احساس بیگانگی، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. دوچارم (۱۹۷۵) به این نتیجه رسید که احساس بیگانگی صرفاً به گروه سنی خاصی تعلق ندارد. البته بنابر گزارش مارتین^۴ (۱۹۷۲) بین سن و احساس بیگانگی رابطه منفی وجود دارد. از سوی دیگر، گودوین^۵ (۱۹۷۲) در پژوهشی با دانشجویان ($n=492$) مشخص نمود که سن دانشجویان در ایجاد احساس بیگانگی مؤثر است. نتایج پژوهش موهان^۶ و جوگیندر^۷ (۱۹۸۶) با ۴۶۰ نفر از دانشجویان در مورد رابطه بین سن و بیگانگی نشان می‌دهد که بین احساس بیگانگی و سن همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

روش

آزمودنی‌ها

آزمودنی‌های این پژوهش، دانشجویان زن (میانگین سن ۲۱/۵۰) پنج کلاس دوره لیسانس (کارشناسی) رشته زبان انگلیسی نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بودند. تعداد کل دانشجویان که به آزمونه‌های این پژوهش پاسخ دادند، ۱۰۳ نفر (۴۸ نفر سال اول و ۵۵ نفر سال دوم) بود. نمونه مورد بررسی، با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی انتخاب شد. این شیوه نمونه‌گیری عمدتاً به دلیل محدودیت زمانی برگزیده شد.

ابزارها

الف) مقیاس (های) بیگانگی دین: به منظور ارزیابی احساس بیگانگی در آزمودنی‌ها، از مقیاس (های) بیگانگی دین^۸ (۱۹۶۱) استفاده شد. این آزمون شامل ۲۴ جمله است. آزمودنی باید پس از مطالعه هریک از جملات، یکی از گزینه‌ها را که بیشتر منعکس‌کننده نظر شخصی اوست، انتخاب کند. در مقابل هر جمله، ۵ حرف از حروف الفبا قرار گرفته است که هریک از آنها معرف یکی از گزینه‌های «کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، و کاملاً مخالفم» هست. هریک از این گزینه‌ها به صورت درجه‌بندی نمره‌گذاری می‌شود به نحوی که نمره ۵ به گزینه

- 1- Ducharme
- 3- New York
- 5- Goodwin
- 7- Joginder

- 2- Vermont
- 4- Martin
- 6- Mohan
- 8- Dean's Alienation Scale (s)

کاملاً موافقم و نمره ۱ به گزینه کاملاً مخالفم تعلق می‌گیرد. البته در این مقیاس، براساس این شیوه شماره‌های ۵، ۸، ۱۱، ۱۴، ۲۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. براساس این شیوه کسب نمره‌های بالاتر در این مقیاس، نشانگر میزان بیشتری از احساس بیگانگی در آزمودنی است. حداقل نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند در این مقیاس به دست آورد ۲۴ و حداکثر نمره، ۱۲۰ است. لازم به ذکر است که مقیاس بیگانگی دین در مجموع از ۳ خرده مقیاس تشکیل شده است. این خرده مقیاس‌ها شامل خرده مقیاس بی‌هنجاری (۶ جمله)؛ خرده مقیاس احساس ناتوانی (۹ جمله)؛ و خرده مقیاس احساس انزوا (۹ جمله) هستند که به نظر دین می‌توانند در مجموع میزان بیگانگی را در آزمودنی مشخص سازند. جملات مربوط به هریک از این مقیاس‌ها در میان ۲۴ جمله مقیاس دین به صورت پراکنده قرار گرفته‌اند. معمولاً نتایج مقیاس بیگانگی دین به صورت مجزا و براساس ۳ خرده مقیاس بی‌هنجاری، احساس ناتوانی، و احساس انزوا گزارش می‌شوند (لفکورت، ۱، ۱۹۷۶). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی مقیاس بیگانگی دین ($r_{11} = 0.81$) است. جدول ۱ نمونه‌هایی از جملات مقیاس (های) بیگانگی دین (۱۹۶۱) را نشان می‌دهد.

جدول ۱

نمونه‌هایی از جملات مقیاس (های) بیگانگی دین

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	
الف	ب	ج	د	ی	۶- گاهی اوقات احساس می‌کنم که سایرین از من سوء استفاده می‌کنند.*
الف	ب	ج	د	ی	۱۰- همه چیز نسبی است و هیچ قانون مشخصی برای زندگی کردن کردن وجود ندارد.**
الف	ب	ج	د	ی	۱۷- روابط قابل اعتماد بین مردم کم است.***

- * خرده مقیاس احساس ناتوانی
- ** خرده مقیاس بی‌هنجاری
- *** خرده مقیاس احساس انزوا

ب) آزمون خودپنداری را بر روی ۲۵ زوج، صفت شخصیتی متضاد ارائه شده است. آزمودنی باید ابتدا در مجموعه‌ای یکسان از ۲۵ زوج، به فرم الف براساس اینکه خود را در ارتباط با هر صفت چگونه می‌بیند، توصیف کند. پس از تکمیل فرم الف، آزمودنی باید در پاسخگویی به فرم ب در مورد هر صفت، خود را براساس آرزوها و ایده‌آل‌های خود توصیف کند. پاسخ آزمودنی در انتخاب هر صفت از زوجهای صفات متضاد، در دامنه‌ای از نمرات ۱ تا ۷ قرار می‌گیرد. جدول ۲ سه زوج از صفات متضاد آزمون خودپنداری راجرز را نشان می‌دهد.

جدول ۲

نمونه‌هایی از زوجهای صفات متضاد در آزمون خودپنداری راجرز

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
غمگین								خوشحال
مریض								سالم
بی‌استعداد								بی‌استعداد

در نمره‌گذاری این آزمون، میزان تفاوت نمرات آزمودنی برای هر صفت در فرم‌های الف و ب محاسبه می‌شود. سپس برای به دست آوردن نمره خودپنداری آزمودنی، مجموع مجذورهای تفاوتها محاسبه شده، در فرمول زیر قرار می‌گیرد:

$$X = \sqrt{\sum D^2}$$

اگر نمره به دست آمده بین ۰ تا ۷ باشد، فرد از خودپنداری مثبتی برخوردار است. چنانچه نمره آزمودنی بین ۷/۰۱ تا ۱۰/۰۰ باشد، نشانه خودپنداری منفی و گرایشهای نورو تیک است و اگر نمره آزمودنی از ۱۰/۰۱ بالاتر باشد، نشانه خودپنداری نورو تیک در فرد است.

شیوه اجرا و روشهای آماری

قبل از ارائه آزمونها، به دانشجویان گفته شد که برای انجام یک پژوهش انتخاب شده‌اند و مشارکت آنها در این کار اختیاری است. همچنین در دستورالعمل آزمونها، ضمن ارائه راهنمایی در مورد نحوه پاسخگویی، به این نکته اشاره شد که درج نام و نام خانوادگی ضرورتی ندارد. هنگام اجرا، همه آزمودنیها نخست به مقیاس(های) بیگانگی و سپس به آزمون خودپنداری پاسخ دادند.

به منظور پی بردن به روابط میان سن و بیگانگی با خودپنداری در کل نمونه مورد بررسی و

نیز در دانشجویان سالهای اول و دوم، از روش همبستگی پیرسون^۱ (نمره‌های اصلی) استفاده همچنین به منظور مشخص شدن اینکه آیا دانشجویان سال اول با دانشجویان سال دوم در از متغیرهای پژوهش تفاوتی دارند یا نه، میانگین نمرات دانشجویان دو گروه در آزمونه‌ای مورد استفاده به وسیله آزمون t مقایسه شد.

نتایج

جدول ۳ ضرایب همبستگی میان مقیاس (های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز و نیز سایر یافته‌ها را در نمونه مورد بررسی ($n=103$) نشان می‌دهد.

جدول ۳

ضرایب همبستگی میان مقیاس (های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز، و سایر یافته‌ها در کل آزمودنیها

تعداد	ضریب	میانگین	انحراف	دامنه
همبستگی	معیار	نمرات		
۱۰۳	۰/۴۰**	۷۸/۸۳	۱۰/۲۰	۵۶-۱۰۲
۱۰۳	۰/۰۹	۲۱/۰۹	۳/۲۸	۱۲-۲۸
۱۰۳	۰/۳۴**	۲۹/۲۲	۵/۲۷	۱۹-۴۲
۱۰۳	۰/۴۱**	۲۸/۵۲	۴/۷۸	۱۷-۴۲
۱۰۳	—	۱۰/۵۰	۳/۴۹	۱/۷۳-۲۰/۳۴

مقیاس بیگانگی دین

- خرده مقیاس بی‌هنجاری

- خرده مقیاس احساس ناتوانی

- خرده مقیاس احساس انزوا

آزمون خودپنداری راجرز

** $P < 0/01$

براساس این نتایج، بین احساس بیگانگی و خودپنداری منفی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.^۲ همچنین ضرایب همبستگی میان اشکال مختلف احساس بیگانگی و خودپنداری نشان می‌دهند که احساس ناتوانی و احساس انزوا با خودپنداری منفی رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. البته بین بی‌هنجاری و خودپنداری رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین به منظور مقایسه نتایج، روابط بین احساس بیگانگی و خودپنداری به طور جداگانه در دانشجویان سالهای اول و دوم بررسی شد. جدول ۴ ضرایب همبستگی میان مقیاس (های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز را در دانشجویان سال اول نشان می‌دهد.

1- Pearson

۲- در آزمون خودپنداری راجرز کسب نمرات بالاتر از ۷ نشانه خودپنداری منفی است. لذا ضرایب همبستگی به دست آمده، نشان می‌دهد که افزایش احساس بیگانگی در آزمودنیها با خودپنداری منفی در ارتباط است. این نکته را در تفسیر سایر نتایج باید به خاطر داشت.

ضریب همبستگی میان مقیاس (های) بیگانگی دین و خودپنداری راجرز در دانشجویان سال اول

منتشر شده توسط سایت شخصی
دکتر محمدعلی شفیعی آبادی
www.dr-ashafabadi.ir

تعداد	ضریب همبستگی	میانگین	انحراف معیار	دامنه نمرات
۴۸	۰/۲۸	۷۹/۲۳	۱۰/۳۶	۶۰-۱۰۰
۴۸	۰/۰۶	۲۰/۹۲	۲/۸۸	۱۶-۲۸
۴۸	۰/۲۴	۲۹/۶۳	۵/۳۸	۱۹-۴۱
۴۸	*۰/۳۰	۲۸/۶۹	۴/۷۱	۱۷-۴۱
۴۸	—	۱۰/۵۷	۳/۴۳	۳-۲۰/۳۴

مقیاس بیگانگی دین
- خرده مقیاس بی هنجاری
- خرده مقیاس احساس ناتوانی
- خرده مقیاس احساس انزوا

آزمون خودپنداری راجرز

* $P < 0.05$

همان طور که در جدول ۴ ملاحظه می شود، نتایج به دست آمده نشان می دهند که برای دانشجویان سال اول هیچ یک از متغیرهای احساس بیگانگی، بی هنجاری، و احساس ناتوانی رابطه معنی داری با خودپنداری ندارند. در این میان تنها رابطه معنی دار بین احساس انزوا و خودپنداری منفی وجود دارد. جدول ۵ ضرایب همبستگی میان مقیاس (های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز را در دانشجویان سال دوم نشان می دهد.

جدول ۵

ضرایب همبستگی میان مقیاس (های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز، و سایر یافته ها در دانشجویان سال دوم

تعداد	ضریب همبستگی	میانگین	انحراف معیار	دامنه نمرات
۵۵	**۰/۵۰	۷۸/۴۹	۱۰/۰۶	۵۶-۱۰۲
۵۵	۰/۱۲	۲۱/۲۴	۳/۵۸	۱۲-۲۸
۵۵	**۰/۴۳	۲۸/۸۷	۵/۱۵	۱۹-۴۲
۵۵	**۰/۴۹	۲۸/۳۸	۴/۸۴	۱۹-۴۲
۵۵	—	۱۰/۴۴	۳/۵۴	۱/۷۳-۱۹/۱۰

مقیاس بیگانگی دین
- خرده مقیاس بی هنجاری
- خرده مقیاس احساس ناتوانی
- خرده مقیاس احساس انزوا

آزمون خودپنداری راجرز

** $P < 0.01$

همان طور که در جدول ۵ ملاحظه می شود در دانشجویان سال دوم میان متغیرهای احساس

دارد. همانند نتایج قبلی، در این گروه از دانشجویان بین بی‌هنجاری و خودپنداری رابطه‌ای وجود

ندارد. در پژوهش حاضر، رابطه میان سن آزمودنیها با نمرات آنان در مقیاس(های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز بررسی شد. جدول ۶ نتایج این محاسبات را نشان می‌دهد.

جدول ۶

ضرایب همبستگی میان سن آزمودنیها با مقیاس(های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز، و سایر یافته‌ها

تعداد ضریب همبستگی	میانگین	انحراف معیار	دامنه نمرات
۱۰۳	-۰/۱۱	۷۸/۸۳	۵۶-۱۰۲
۱۰۳	-۰/۰۹	۲۱/۰۹	۱۲-۲۸
۱۰۳	-۰/۰۹	۲۹/۲۲	۱۹-۴۲
۱۰۳	-۰/۰۸	۲۸/۵۲	۱۷-۴۲
۱۰۳	-۰/۰۹	۱۰/۵۰	۱/۷۳-۲۰/۳۲
۱۰۳	—	۲۱/۵۰	۱۸-۳۲

مقیاس بیگانگی دین

- خرده مقیاس بی‌هنجاری

- خرده مقیاس احساس ناتوانی

- خرده مقیاس احساس انزوا

- آزمون خودپنداری راجرز

سن آزمودنیها

همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، رابطه معنی‌داری میان سن آزمودنیها با احساس بیگانگی، بی‌هنجاری، احساس ناتوانی، احساس انزوا، و خودپنداری وجود ندارد.

از سوی دیگر، در این پژوهش دانشجویان سالهای اول و دوم در رابطه با متغیرهای پژوهش، مقایسه شدند. جدول ۷ نتایج این مقایسه‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، دانشجویان سال اول در مقایسه با دانشجویان سال دوم از لحاظ احساس بیگانگی، بی‌هنجاری، احساس ناتوانی، احساس انزوا، و خودپنداری تفاوت معنی‌داری ندارند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به‌طور کلی احساس بیگانگی با خودپنداری منفی رابطه مثبتی دارد. قبلاً اشاره شد که نتایج پژوهشهای گوناگون نشان می‌دهند که احساس بیگانگی در فرد با مجموعه‌ای از ویژگیهای شخصیتی نابهنجار از جمله خودپنداری و عزت نفس ضعیف رابطه دارد. نکته‌ای که در پژوهش حاضر جلب نظر می‌کند این است که در دانشجویان سال اول، رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداری شباهت قابل ملاحظه‌ای با روابط دو متغیر مذکور در دانشجویان سال دوم ندارد. در این مورد با توجه به تفاوت سنی آزمودنیهای دو گروه فوق ($t = 2/82, P < 0/001$) می‌توان گفت که سن آزمودنیها احتمالاً در شکل‌گیری رابطه میان احساس بیگانگی و خودپنداری نقش دارد. در این زمینه، به نظر می‌رسد که انجام پژوهشهای

در این پژوهش، به منظور بررسی تفاوت‌های بین گروه‌های دانشجویان سال اول و دوم در مقیاس‌های دانشگاهی (در رابطه بین کادگی با خودپنداری احساسی، زیاده‌داری داشته باشد، همچنین در این پژوهش برخلاف یافته‌های قبلی، بین احساس بیگانگی و خودپنداری با سن آزمودنی‌ها رابطه‌ای یافت نشد. در این پژوهش، به نظر می‌رسد که انجام پژوهش‌هایی با نمونه‌های بیشتر، از هر دو جنس و در مقاطع تحصیلی مختلف، می‌تواند به کسب یافته‌های دقیق‌تری شود.

جدول ۷

مقایسه نمرات دانشجویان سال اول با دانشجویان سال دوم در مقیاس (های) بیگانگی دین و آزمون خودپنداری راجرز

تعداد	میانگین	t
مقیاس بیگانگی دین		
سال اول	۴۸	۷۹/۲۳
سال دوم	۵۵	۷۸/۴۹
نمره در مقیاس بی خودپنداری		
سال اول	۴۸	۲۰/۹۲
سال دوم	۵۵	۲۱/۲۴
نمره در مقیاس احساسی ناتوانی		
سال اول	۴۸	۲۹/۶۳
سال دوم	۵۵	۲۸/۸۷
نمره در مقیاس احساسی لزوما		
سال اول	۴۸	۲۸/۶۹
سال دوم	۵۵	۲۸/۳۸
آزمون خودپنداری راجرز		
سال اول	۴۸	۱۰/۵۷
سال دوم	۵۵	۱۰/۲۴

بنابراین، نتایج که در جدول ۷، مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها در خرده مقیاس احساسی ناتوانی ($M=79/23$) با میانگین‌های گزارش شده برای هر دو جنس در سایر پژوهش‌هاست، نشان می‌دهد که در جدول ۸، ملاحظه می‌شود، تفاوت قابل توجهی بین میانگین احساسی ناتوانی در این پژوهش ($M=79/23$) با میانگین‌های به دست آمده برای هر دو جنس در سایر پژوهش‌ها وجود دارد.

در مطالعه اشاره می‌شود که دانشجویان به منظور درمان احساس بیگانگی، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. در این مطالعه ($79/23$) معتقد است که یکی از شیوه‌های کاهش احساس بیگانگی در تحصیلات عالی، ایجاد فعالیت مشارکتی آنها در ساختارهای اجتماعی و کاهش اختلاف بین نظام

جدول ۸

نمرات احساس ناتوانی (برگرفته از کتاب منبع کنترل^۱، اثر لافکورت، ۱۹۷۶، ص. ۱۶۶)

میانگین نمرات	جنس	تعداد	نمونه	سال
۲۲/۶۵	مرد	۳۸۴	کلمبوس ^۲ ، اهایو ^۳ ، نمونه لایه ای	۱۹۵۵
۲۳/۷۵	مرد	۶۲	دانشگاه دنیسون ^۴ ، دانشجویان سال اول جامعه‌شناسی	۱۹۶۲
۲۴/۹۱	زن	۹۳	دانشگاه دنیسون، دانشجویان سال اول جامعه‌شناسی	۱۹۶۵
۲۴/۶۳	مرد	۱۶	دانشگاه ایالتی آیوا ^۵ ، دانشجویان درس روان‌شناسی اجتماعی	۱۹۷۱
۲۴/۶۰	زن	۲۴	دانشگاه ایالتی آیوا، دانشجویان درس روان‌شناسی اجتماعی	۱۹۷۱

همچنین وینستاک^۶ (۱۹۷۴) در پژوهشی به منظور بررسی کارایی رویکردهای مختلف مشاوره گروهی در کاهش احساس بیگانگی به این نتیجه رسید که از میان روشهای آموزش مهارتهای ارتباطی، جرات‌آموزی^۷ و آموزش آرمیدگی و مراقبه^۸، کارایی دو روش جرات‌آموزی و آموزش آرمیدگی و مراقبه در کاهش احساس بیگانگی بیشتر است.

References:

مراجع:

- اتکینسون، ریتا؛ اتکینسون، ریچارد؛ هیلگارد، ارنست (۱۹۸۳). زمینه روان‌شناسی (جلد دوم). (ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، ۱۳۶۸). تهران: رشد، ص. ۱۰۰.
- بست، جان (۱۹۸۳). روشهای تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری. (ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، ۱۳۶۷). تهران: رشد، ص. ص. ۲۹-۳۰.
- بهرامی، غلامرضا؛ و معنوی، عزالدین (۱۳۷۰). فرهنگ لغات و اصطلاحات چهارزبانه روان‌پزشکی. تهران: دانشگاه تهران، ص. ۱۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). بیگانگی (مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی). مندرج در نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره دوم، ص. ص. ۷۳-۲۵.

1- locus of control

3- Ohio

5- Iowa State University

7- assertiveness training

2- Columbus

4- Denison University

6- Weinstock

8- relaxation and meditation training

- Beatty, C. A. (1973). Reflective teaching, alienation, and dogmatism: A correlational analysis. *Dissertation Abstracts International*, 33 (A-8), 3941- 3942.
- Byrne, B. M. (1984). The general/ academic self- concept nomological network of construct validation research. *Review of Educational Research*, 54, 427- 456.
- Csikszentmihalyi, M. (1975). *Beyond Boredom and Anxiety*. San Francisco: Jossey- Bass.
- Dean, D. G. (1961). Alienation: Its meaning and measurement. *American Sociological Review*, 26, 753- 758.
- Ducharme, S. H. (1975). The relationship of alienation to age, population density and self- concept. *Dissertation Abstracts International*, 36 (3- B), 1503.
- Farmer, R. D. & Harvey, P. G. (1974). Alienated youth: A preliminary study of a group of rootless young people: Social and personality characteristics. *Social Science and Medicine*, 8, 191- 195.
- Goodwin, G. A. (1972). Alienation among university students: A comparative analysis. *Dissertation Abstracts International*, 33 (3- A), 1237.
- Heyman, S. R. (1977). Dogmatism, hostility, aggression, and gender roles. *Journal of Clinical Psychology*, 33, 694- 698.
- Hoge, R. D., & Renzulli, J. S. (1993). Exploring the link between giftedness and self- concept. *Review of Educational Research*, 63, 449- 465.
- Ismail, Z. (1992). Relationship between self- concept and academic performance of Pakistani students. *Pakistan Journal of Psychology*, 23, 29- 37.
- Jacobson, B. S. (1973). Value patterns, dogmatism, and social alienation. *Dissertation Abstracts International*, 33 (B-10), 5017-5018.
- Johnson, T. B. (1970). An examination of some relationships between anomie and selected personality and sociological correlates in a sample of high school dropouts. *Dissertation Abstract International*, 31 (A-1), 225- 226.
- Kaplan, H. I., & Sadock, B. J. (1991). *Comprehensive glossary of psychiatry and psychology*. Baltimore: Williams & Wilkins.
- Keniston, K. (1965). *The uncommitted: Alienated youth in American society*. New York: Harcourt, Brace and World.
- Kirscht, J. P., & Dillehay, R. C. (1967). *Dimensions of authoritarianism: A review of research and theory*. Lexington: University of Kentucky Press.
- Lefcourt, H. M. (1976). *Locus of control: Current trends in theory and research*. Hillsdale: Lawrence Erlbaum Associates.
- Maddi, S. R. (1989). *Personality theories: A comparative analysis*. Pacific Grove: Brooks/ Cole.

- Maddi, S. R., Hoover, M., & Kobasa, S. C. (1982). Alienation and exploratory behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 884-890.
- Maddi, S. R., Kobasa, S. C., & Hoover, M. (1979). An alienation test. *Humanistic Psychology*, 19, 73-76.
- Martin, W.C. (1972). Alienation and age: A study of three generations. *Dissertation Abstracts International*, 33 (3- A), 1240.
- McClosky, H., & Schaar, J. H. (1965). Psychological dimensions of anomie. *American Sociological Review*, 30, 14-40.
- Mohan, J., & Joginder (1986). Alienation of urban youth: A study in relation to age factor. *Indian Journal of Clinical Psychology*, 13, 55-58.
- Morah, E. I. (1990). Predicting alienation in a sample of Nigerian Igbo subjects. *Psychological Reports*, 67, 113-114.
- Norman, R. (1960). Dogmatism and psychoneurosis in college women. *Journal of Consulting Psychology*, 30, 228.
- Pestonjee, D. M., & Singh, A.K. (1978). Alienation and dogmatism in Indian youth: A correlational study. *Psychological Studies*, 23, 87-90.
- Rogers, C. R. (1951). *Client- Centered Therapy: Its Current Practice, Implications and Theory*. Boston: Houghton Mifflin.
- Rokeach, M. (1952). Dogmatism and opinionation on the left and on the right. *American Psychologist*, 7, 310-311.
- Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. *American Sociological Review*, 24, 783-791.
- Sexton, M. E. (1983). Alienation, dogmatism, and related personality characteristics. *Journal of Clinical Psychology*, 39, 80-86.
- Simmons, J. L. (1965). Liberalism, alienation, and personal disturbance. *Sociology and Social Research*, 49, 456-464.
- Simmons, J. L. (1966). Some intercorrelations among 'alienation' measures. *Social Forces*, 44, 370-372.
- Sutherland, S. (1989). *MacMillan Dictionary of Psychology*. London: The MacMillan Press Ltd.
- Swatdipong, P. (1980). Sojourner alienation: An exploratory study of foreign student alienation. *Dissertation Abstracts International*, 40 (7-A), 4242.
- Tolor, A., & LeBlanc, R. F. (1971). Personality correlates of alienation. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 37, 444.
- Vacchiano, R. B., Strauss, P. S., & Schiffman, D. C. (1968). Personality correlates of dogmatism. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 32, 83-85.
- Waters, D. E. (1974). Psycho-social factors associated with alienation of university freshmen with high academic potential. *Dissertation Abstracts International*, 35

youth subculture: A study of the Berkely non- student. *Journal of Social Issues*, 25, 65- 89.

Winstock, M. (1974). Toward a treatment of alienation: A comparison of counseling approaches. *Dissertation Abstracts International*, 35 (5- A), 2785.

منتشر شده توسط سایت
دکتر عبدالله زارع لاری
www.dr-ashanibadi.ir